

فیروز کریمی

یک پیروزی ارزشمند و به موقع سبب شد تا به صدر خبرسازهای فوتبال ایران بازگردد. او که نتایجش در گسترش فولاد اصلا خوب نبود، سرانجام توانست نخستین بردش در لیگ برتر را به دست بیاورد و یکی دو پله در جدول لیگ تیمش را بالا بکشد. کسب پیروزی مقابل نفت آبادان برای فیروز خان دو بار شیرینی داشت؛ اول اینکه تیم سابق خودش را شکست داد و دوم اینکه میچ فراز کمالوند را خواباند که همین موضوع سبب شد تا حالات این برد برای مدیران تیمش نیز دوچندان شود. آنها از ابتدای فصل تا امروز زیر فشار افکار عمومی قرار داشتند که نتایج تیم‌شان را با نتایج نفت مقایسه می کردند و برد در بازی رودرو کمی اوضاع را به نفع آنها بهتر کرد.



اسماعیل حسن‌زاده

دور دور خبرسازهای اوست؛ چه روزی که به‌ترین تیم ملی رفت و کارلوس کی‌روش به‌عتاب او را راند و چه دیروز که برای هزارمین بار علیه باشگاه‌های بدھکار سخن گفت، جزء خبرسازهایی بود که در فوتبال ایران کم حرف می‌زنند و کم روی جلد می‌آیند مگر اینکه قرار باشد بلایی سر کسی بیاید. حسن‌زاده دیروز برای هزارمین بار تیم‌های بدھکار را تهدید کرد که از خشم کمیته انضباطی بهراسند و به زبان خوش بدهی‌های مردم را پرداخت کنند وگرنه عذاب انضباطی بر آنها نازل خواهد شد. عذابی که سال‌هاست منتظریم نازل شود و نازل نمی‌شود. باشگاه‌های بدھکار به مدد همین آقای حسن‌زاده، راست‌راست در بازار قدم می‌زنند و چک بی‌محل می‌کشند و کسی هم معترض‌شان نیست. حالا آقای حسن‌زاده تهدید کرده که قرار نیست مثل قبل کوتاه بیاید. این بار باور کنیم آقای حسن‌زاده؟



پیراهن فروشی در تیم‌های ملی به بهانه کمک‌های مردمی

وزارت ورزشی که خودش را به خواب زده



محیا شهنواری
نویسنده و خبرنگار

ورزشی در حالی توسط وزارت ورزش و دولت تامین می‌شود که روسای فدراسیون‌ها با ارائه برنامه‌ها و تقویم ورزشی و همچنین امضای تفاهنامه با وزارت ورزش ملزم به رعایت برخی اصول تعریف‌شده در بندهای این تفاهنامه هستند. وزارت ورزش و جوانان و بخش قهرمانی این وزارتخانه اواخر هر سال طی جلسه با روسای فدراسیون‌های فعال در حوزه قهرمانی، ضمن تعیین میزان بودجه سال پیش روی هر رشته ورزشی، روسا را ملزم به تامین بخشی از بودجه توسط بخش خصوصی و اسپانسر می‌کند یا به‌نوعی وزارت ورزش در تلاش است تا مدیران را از نظر توان فعالیت در بخش‌های اقتصادی ارتقا دهد.

مطمئناً تامین بودجه ورزش توسط دولت این بخش را بیشتر به سمت و سوی عمومی شدن ورزش قهرمانی پیش می‌برد و این بدان معناست که ورزشکاران با پشتوانه بودجه دولت می‌توانند با خیالی آسوده و بدون پرداخت پول در ازای ورزش، تنها به قهرمانی فکر کنند و صدا البته نیز در برابر حضورشان در این میدان از دولت و فدراسیون‌هایشان حقوق و پاداش دریافت کنند. این رویه تنها در ایران جاری نیست بلکه در تمام دنیا، دولت‌ها از ورزشکاران پشتیبانی می‌کنند تا آنها نیز بدون دغدغه برای کشورشان افتخار آفرینی کنند. امروزه ورزش در جهان گام را از حوزه خود فراتر گذاشته و به یک مقوله سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده و همین امر ورزش، ورزشکاران و قهرمانان ورزشی در جهان را به مهره‌های تاثیرگذار در سیاستگذاری کشورها تبدیل کرده است.

در حالی که در جهان حمایت‌ها از ورزشکاران هر روز بیشتر و حتی برخی کشورها به دنبال جذب ورزشکاران سایر کشورها هستند و در این زمینه پول‌های هنگفتی خرج می‌کنند، پدیده‌ای نامتعارف در ورزش ایران در حال شکل‌گیری است به نام «فروش پیراهن تیم ملی» پدیده‌ای که در برخی از رشته‌ها به یک امر عادی تبدیل شده و مشخص نیست که تا چه حد به سایر رشته‌ها نیز سرایت کرده است. فروختن پیراهن تیم ملی به ورزشکارانی که خانواده‌های ثروتمند دارند یا اعزام ورزشکاران به میادین جهانی در ازای دریافت پول از خانواده‌ها و ورزشکاران این روزها سایه سنگین استبدادکشی را بر سر برخی از رشته‌ها انداخته است تا آنجا که برخی ورزشکاران با وجود استعداد به دلیل عدم تامین هزینه اعزام، از لیست تیم‌های ملی حذف می‌شوند.

ماجرای دریافت پول از ورزشکاران در تیراندازی با کمان

اعزام کمانداران نوجوان به مسابقات جهانی آرژانتین در ازای دریافت مبلغ ۱۶ میلیون تومان از خانواده‌ها توسط فدراسیون تیراندازی با کمان بهانه‌ای بود تا این مساله مورد توجه قرار گیرد. موضوع از آنجا حساس ترمی شود که ظاهراً این تنها اتفاقی از این دست در فدراسیون تیراندازی با کمان نبوده و در این سال‌ها به امری عادی در امور اداری فدراسیون تبدیل شده است. به گفته برخی از نزدیکان کمانداران، فدراسیون تیراندازی با کمان در ازای دریافت پول از خانواده‌ها برای اعزام کمانداران به چهار مرحله جام جهانی تیراندازی با کمان اعلام آمادگی کرده بود و حتی خانواده‌هایی توانستند با پرداخت ۱۲ میلیون تومان فرزندان خود را به مسابقات

کیوسک

اسپورت

مسیر صدرنشین

تاریخ‌سازی برای مسی. اینیستا به لیست رسید ولی شاید او الورده تجدید نظر کند. زیدان دو ماه تا ژانویه برای اصلاح شرایط فرصت دارد. فلورنتینو با وجود نگرانی از شرایط مادری، همچنان منتظر است. بارسلونا قصد دارد ۱۴ بازی بدون شکست خود را همچنان ادامه دهد.



مارکا

گوندس؛ یک ستاره

مصاحبه اختصاصی مارکا با مهاجم جوان و پرتغالی والنسیا. او در حالی به ترکیب آمد که لالیگا آغاز شده بود. بیل ممکن است به ترکیب بازگردد. حمله و ورود به محوطه جریمه از دو جناح؛ تاکتیک مادرید مقابل لاس پالماس. زیدان در پی بازگرداندن قدرت هجومی تیم.



آس

انقلاب

آسنسیو، تئو، مارکوس یورتنه و سبا یوس در آستانه حضور در ترکیب اصلی. بیل وارد لیست می‌شود. اتلتیکو حال و روز مناسبی ندارد. مادرید به امتیاز بازی زیادی دست داده. ۶۰۰ امین بازی مسی برای بارسا. شاید باتگازا و سهویا و اینیستا از بارسا به بازی نرسند.



یادداشت

تخلف کنید دولت می‌پردازد

مدیریت فوتبال به شیوه پاولف



مرتضی موسوی‌نور

دبیر گروه ورزش

نزدیک به دو قرن پیش دو دانشمند روانشناس بزرگ دنیا به نام‌های پاولف و اسکینر پیوهی! اصول روانشناسی تربیتی را کشف و حیات بشری را با شیوه نوینی از علم روان‌شناسی آشنا کردند.

شیوه اصلی و مورد آزمایش قرار گرفته در طول سال‌های متمادی توسط این دو روانشناس شیوه شرطی کردن حیوانات بود و در اثر آزمایش‌های گوناگون و طاقت‌فرسای این دو نفر به‌ویژه پاولف، نتیجه‌ای در علم روانشناسی حاصل شد که تا کنون یکی از شیوه‌های تاثیرگذار در جامعه انسانی و حیوانی به شمار می‌رود.

همه ما می‌دانیم که حیوانات چون هوشی به اندازه انسان ندارند، باید به شیوه پاولف شرطی شوند تا تربیت‌شدن‌شان راحت باشد. خود ما هم با این همه هوش و ادعا اغلب با شنیدن این جمله، شرطی می‌شویم و به یاد پاولف می‌افتیم. الان هم چند هفته است که مرحوم پاولف به خواب می‌آید و این موضوع را تکرار می‌کند: شرطی شوید... شرطی شوید... شرطی شوید. وقتی هم از خواب می‌پریم خبری از او نیست.

موضوع کمک‌های دولت به دو باشگاه استقلال و پرسپولیس در این شرایط بحرانی و تهدید جدی کنفدراسیون فوتبال آسیا هم به‌منزله شرطی کردن شرایط کار برای موضوعیت دادن به آن است؛ «تخلف کنید دولت می‌پردازد». «همین ورود دولت در این شرایط و گرفتن دست مدیران خودگمارده در راس باشگاه‌ها که تا کنون بدهی‌های فراوانی روی دست باشگاه‌هایشان گذاشته‌اند و همین امر نیز جامعه فوتبال را با سردرگمی و چالش مواجه کرده و به جای بازجویی و پاسخگویی به افکار عمومی حمایت همه‌جانبه وزارت ورزش را به همراه دارند، نشان می‌دهد که پاولف‌های زمانه در حال آزمایش‌های تازه هستند و با تزریق منابع مالی در شرایط بحرانی مشروعیت نظام و کارآمدی دولت را زیر سوال می‌برند بدون اینکه آزمایشی جدی در این زمینه انجام دهند.

شرطی کردن موضوع کمک‌های بلاعوض به کسانی که با شاخصه‌های مدیریت غریبه هستند و ساختار و برنامه را نمی‌شناسند برای حفظ وجهه اجتماعی دولت شاید مناسب و مفید باشد اما در درازمدت، ضمن جبران سوءمدیریت ادوار گذشته مدیران و تحمیل هزینه‌های کم‌رشدن، شرایط شایسته‌سالاری را از بین می‌برد و مدیران نالایق و ناوارد به کار که از هوش کمتری هم برای اداره یک سیستم برخوردارند، عادت می‌کنند که چنین امتیازهایی همیشه وجود دارد. هر چند این موضوع فقط منحصر به فوتبال نیست و می‌توان در موضوع حذف خانوارهای دارای دهک‌های بالای درآمدی از لیست یارانه‌گیران نیز این وضعیت را مشاهده کرد.

اگر با امعان نظر و بدون تعارف و خیلی شفاف به قضیه نگاه کنیم، باید قبول کنیم که این باج‌دهی‌ها به مشروعیت نظام و کارآمدی دولت آسیب می‌زند و جامعه را شرطی می‌کند و در صورت ادامه خسارت‌های جبران‌ناپذیری خواهد داشت. به نظر می‌رسد فوری‌ترین اقدام در این مسیر همکاری دلسوزانه تمام سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و ذی‌نفع است که در یک هماهنگی نظام‌مند حقوق فوتبال ملی را از ارگان‌های مربوطه بازخواست و درخواست و راه‌های مسدود شده اقتصاد فوتبال را با همکاری و تعامل همه‌جانبه باز کنند.

نکته

چاهی که نفت در آن افتاد

فوتبال قربانی بی‌خردی

اگر بگویم اسیر یک بی‌خردی هستیم، بیراه نیست. یک بی‌خردی که سراسر جامعه را فرا گرفته و فقری که ریشه

می‌دواند در لایه‌های پایینی این جامعه فرو می‌رود. فقری که مدت‌هاست در ورزش به‌خصوص فوتبال ریشه‌دوانده و حاصل آن مدیریتی درمانده است که جان فوتبال را ذره‌ذره می‌گیرد. برای نشان دادن این فقر، این خردی و مدیریت درمانده، مثال زیاد است برای زدن، اما درد دارد این زدن‌ها. دردی که تا مغز استخوان را اسیر خود می‌کند و چه نفع آید آدم‌های دیوانه فوتبال را به جنون می‌کشد و آنها را ذره‌ذره می‌کشد. یکی از این مثال‌ها مربوط به تصمیماتی است که برای نفت تهران گرفته شده و می‌شود. تصمیماتی که نفت را از یک تیم بازیکن‌ساز، موفق و آسیایی که پله‌پله بالا آمده بود، تبدیل به تیمی کرده که اکنون در ورطه سقوط قرار دارد. سقوط نه به معنای فوتبالی، بلکه نفت اکنون در سقوطی دست‌وپامی‌زند که تمام ساختارهایش را از دست می‌دهد. هیچ‌کسی هم راه‌حلی برای نجات این تیم ندارد و اتفاقاً برعکس، تمام حریف‌های ما شرایط را بد و بدتر می‌کنند. بیژن زنگنه، وزیر نفت که اصل‌ترین تصمیم‌گیرنده برای واگذاری تیم فوتبال نفت تهران بود، افرادی را برای واگذاری این تیم تعیین کرد که هیچ‌کدام نتوانستند از پس این کار برآیند. هیچ‌گونه پندنگری صورت نگرفت و این تیم پس از واگذاری به افراد مختلف، هنوز در بالاترین سطحی به سر می‌برد. اکنون هم که شرایط به گونه‌ای پیش رفته که وزارتخانه حتی قبول نمی‌کند تیم‌ها پس بگیرند تا وضعیت آن تعیین تکلیف شود. ماجرا به اینجا بازی می‌گردد که مدیران ناچار بلند و ماندن‌های با تصمیمات اشتباه به یک‌باره تصمیم به افزایش بودجه تیم نفت در زمان سرزمین‌گیری علیرضا منصوریان گرفتند. این افزایش یک‌باره بودجه، البته در سرفه‌هایی را موجب شد و چیزی جز عصبانیت وزیر به دنبال نداشت. مدیرانی که قصد داشتند وزیر را هم درگیر مشکلات تیم نفت کنند، آن هم در شرایطی که زنگنه در وزارت نفت درگیر پرونده‌های بزرگی از جمله آپک، کرست، بابک زنجانی و چندین و چند پرونده دیگر بود. وزیر هم برای اینکه از این دردسر خلاص شود، دستور واگذاری این تیم را داد.

حالا بی‌خردی، خرد جمعی در مجموعه نفت در بحث واگذاری این تیم قدیمی، مشخص نکردن اهلیت خریداران برای واگذاری، نگرفتن تضمین‌های لازم و... باعث شده نفت به چاهی بیفتد که با خریدان زیادی جمع شده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند این تیم را نجات بدهند. موضوع هم به بحث آسیایی بودن این تیم بازمی‌گردد که همه از جمله مسئولان این تیم و فدراسیون فوتبال تا وزارت ورزش و جوانان تلاش می‌کنند جلوی حذف این تیم را بگیرند. به نظر می‌رسد این کار هم بسیار سخت باشد و فوتبال در حال قربانی شدن این بی‌خردی‌ها می‌شود، چرا که شواهد این گونه‌شدن‌شان می‌دهد. در شرایطی که فوتبال ایران آخرین روزهای خود را برای کسب سهمیه لیگ قهرمانان پشت سر می‌گذارد، هر روز خبرهای ناامیدکننده‌ای از نفت به گوش می‌رسد که یک‌روز با زداشت مالک آن است، روز دیگر اعصاب بازیکنان و یک روز دیگر هم انحلال آکادمی این باشگاه!